دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ فصلنامهٔ مطالعات زبان، ادبیات و گفتمان راهبردی

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۲۱ دورهٔ پنجم، شمارهٔ ۱، بهار ۱۴۰۵، ص ص. ۶۴-۳۹

واکاوی زبان‌شناختی و چالش‌های ترجمهٔ راهبردی دوگانهٔ War و Warfare در متون آموزشی و عملیاتی ارتش ج.ا.ا؛ با رویکرد زبان‌شناسی شناختی

مسعود شریف کاظمی[۱]

چکیده

دوگانهٔ واژگانی War و Warfare در زبان انگلیسی، تمایزی بنیادین میان «موقعیت کلان نبرد» و «سیستم‌ها و روش‌های اجرای نبرد» ایجاد می‌کند اما در ترجمه‌های رایج متون عملیاتی و آموزشی ارتش جمهوری اسلامی ایران، هر دو مفهوم به‌طور غالب با معادل واحد «جنگ» بازگردانی می‌شوند. این یکسان‌سازی واژگانی، پیامدهای شناختی و راهبردی جدی در درک، آموزش و طراحی عملیاتی مفاهیم نظامی دارد. پژوهش حاضر با رویکرد زبان‌شناسی شناختی و بهره‌گیری از نظریه‌های استعارهٔ مفهومی، معناشناسی چارچوبی و دستور شناختی، به واکاوی این دوگانه و چالش‌های ترجمهٔ راهبردی آن در متون عملیاتی و آموزشی ارتش ج.ا.ا می‌پردازد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی‌بر متون نظامی، فرهنگ‌های نظامی دوزبانه و اسناد آموزشی دانشگاه‌های افسری است. یافته‌ها نشان می‌دهد که (۱) فقدان تمایز واژگانی در فارسی، منجر به ابهام در طبقه‌بندی انواع نبرد شده است؛ (۲) استعاره‌های مفهومی غالب در ترجمه، ماهیت فرآیندی و سیستمی Warfare را به ماهیت ایستای War تقلیل می‌دهند و (۳) واژه‌سازی «جنگواره» (با بهره‌گیری از پسوند سیستم‌ساز «-واره») به‌عنوان معادل راهبردی Warfare می‌تواند شفافیت و دقت آموزشی را در متون ارتش ج.ا.ا ارتقا دهد.

۱- دکتری مدیریت دفاعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، m.sharif@iamu.ac.ir

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، ترجمهٔ راهبردی، War، Warfare، جنگواره، دکترین نظامی، استعارهٔ مفهومی، ارتش جمهوری اسلامی ایران.

۱. مقدمه

زبان، صرفاً ابزاری برای انتقال اطلاعات نیست بلکه ساختارهای شناختی، جهان‌بینی و چارچوب‌های فکری گویشوران را بازتاب می‌دهد (کروز[۱] ۲۰۰۴). در حوزهٔ مطالعات نظامی و راهبردی، این مسئله اهمیت مضاعفی می‌یابد، زیرا واژگان نظامی نه‌تنها توصیف‌کنندهٔ پدیده‌ها بلکه شکل‌دهندهٔ دکترین‌ها، آموزش‌ها و تصمیم‌گیری‌های عملیاتی هستند (میسن[۲] ۱۹۹۰). به بیان دیگر، زبان نظامی یک «زبان تخصصی» (LSP) صرف نیست بلکه یک زبان راهبردی[۳]است که هر واژه در آن بار عملیاتی دارد.

در ادبیات کلاسیک استراتژیک، کلاوزویتس[۴](۱۹۷۶) جنگ (War) را به‌عنوان یک پدیدهٔ کلان سیاسی و موقعیتِ تنازع تعریف می‌کند. درحالی‌که اسناد مشترک مانند JP 3-0 پنتاگون (۲۰۲۰)، مفهوم جنگواره (Warfare) را به‌عنوان «هنر، علم و سیستمِ به‌کارگیری نیروها» متمایز می‌سازند. این تمایز مفهومی در دسته‌بندی‌های مدرن نیز مشهود است، به‌طوری‌که مفاهیمی چون «جنگوارهٔ ترکیبی» ریشه در نظریات هافمن (۲۰۰۷) داشته و پدیده‌هایی مانند «جنگ‌های گسل‌خطی» نخستین‌بار توسط هانتینگتون (۱۹۹۶) در بستر برخورد تمدن‌ها تبیین شده‌اند.

یکی از بنیادی‌ترین تمایزات واژگانی در ادبیات نظامی انگلیسی، تفاوت میان دو مفهوم War و Warfare است. براساس تعریف فرهنگ‌های نظامی استاندارد ناتو، War به «موقعیت نبرد میان کشورها یا گروه‌های سازمان‌یافته» اشاره دارد (دفتر استانداردسازی ناتو[۵] ۲۰۲۳)، در حالی که Warfare «روش‌ها، شیوه‌ها و سیستم‌های اجرای نبرد» را در بر می‌گیرد (ستاد مشترک

---

۱ Cruse, 2004
۲ Mason, 1990
۳ Strategic Language
۴ Clausewitz, C. von
۵ NATO Standardization Office

نیروهای مسلح[۱] ۲۰۱۰). این تمایز، صرفاً یک تفاوت دستوری (اسم در برابر اسم مصدر) نیست بلکه بازتاب دو سطح متفاوت از تحلیل راهبردی است یعنی سطح «کلان‌موقعیت» و سطح «روش‌شناسی و سیستم اجرا».

در زبان فارسی اما هر دو مفهوم غالباً با واژهٔ واحد «جنگ» ترجمه می‌شوند (خزعایی‌فر، ۱۳۸۶). Conventional warfare می‌شود «جنگ متعارف»، Cyberwarfare می‌شود «جنگ سایبری» و Economic warfare می‌شود «جنگ اقتصادی». این یکسان‌سازی واژگانی، در سطح آموزشی و عملیاتی، ابهام‌هایی را ایجاد می‌کند که می‌تواند بر دقت تحلیل‌های راهبردی و طراحی عملیاتی تأثیر بگذارد (ملاوردی، ۱۳۸۵).

پژوهش حاضر با رویکرد زبان‌شناسی شناختی، به واکاوی این دوگانه و ارائهٔ پیشنهاد واژگانی «جنگواره» به‌عنوان معادل راهبردی Warfare در متون ارتش ج.ا.ا می‌پردازد.

۱-۱. بیان مسئله

در اسناد آموزشی و عملیاتی ارتش ج.ا.ا، وقتی افسران و دانشجویان نظامی با عباراتی مانند «جنگ ترکیبی»، «جنگ سایبری»، «جنگ شبکه‌محور» و «جنگ اقتصادی» مواجه می‌شوند، ذهن آن‌ها ناخودآگاه به سمت «موقعیت نبرد» (War) سوق داده می‌شود، نه «سیستم و روش اجرا» (Warfare). این ابهام شناختی، در سطح طراحی عملیاتی و فرماندهی، می‌تواند منجر به خطاهای محاسباتی شود (لیکاف[۲] ۱۹۹۱).

۱-۲. سؤالات پژوهش

تمایز شناختی و چارچوبی میان War و Warfare در زبان انگلیسی چیست و چگونه در متون نظامی بازتاب یافته است؟

---

۱ Joint Chiefs of Staff

۲ Lakoff

یکسان‌سازی واژگانی این دوگانه در ترجمهٔ فارسی، چه پیامدهای شناختی و راهبردی دارد؟

واژه‌سازی «جنگواره» تا چه حد می‌تواند خلأ چارچوبی موجود در زبان فارسی را پر کند؟

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

در شرایطی که ادبیات نظامی جهان به‌سرعت به سمت مفاهیمی چون «جنگوارهٔ شناختی»، «جنگوارهٔ الگوریتمی» و «جنگوارهٔ هوش مصنوعی» حرکت می‌کند، فقدان تمایز واژگانی در زبان فارسی، یک چالش امنیت زبانی محسوب می‌شود (ماندی[1] ۲۰۱۶). این پژوهش می‌کوشد با ارائهٔ یک راهکار واژه‌شناختی مبتنی‌بر ظرفیت‌های ذاتی زبان فارسی، به ارتقای دقت متون ارتش ج.ا.ا کمک کند.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. مطالعات ترجمه نظامی در ایران

خزعایی‌فر (۱۳۸۶) در بررسی مبانی ترجمهٔ تخصصی، به چالش‌های واژه‌گزینی در حوزه‌های نظامی اشاره کرده و فقدان فرهنگ‌های استاندارد دوزبانهٔ نظامی را از موانع اصلی ترجمهٔ دقیق متون دانسته است. ملاوردی (۱۳۸۵) نیز در مطالعات فرهنگ‌نگاری، بر ضرورت توجه به بار مفهومی واژگان در زبان مقصد تأکید کرده و نشان داده است که انتخاب نادرست معادل، می‌تواند چارچوب شناختی مخاطب را تحریف کند.

۲-۲. مطالعات زبان‌شناسی شناختی و گفتمان نظامی

لیکاف (لیکاف، ۱۹۹۱) در مقالهٔ کلاسیک خود، نشان داد که استعاره‌های جنگی چگونه بر درک عمومی از سیاست و اقتصاد تأثیر می‌گذارند. کِووچش (کووکسز[2] ۲۰۰۲) نیز در بررسی استعاره‌های مفهومی، به نقش فرهنگ در شکل‌دهی به استعاره‌های غالب در حوزه‌های تخصصی

---

1 Munday
2 Kövecses

پرداخته است. استین (استین[۱] ۲۰۰۷) روش‌شناسی شناسایی استعاره در متون را توسعه داده که در تحلیل متون نظامی قابل کاربرد است.

۲-۳. مطالعات واژه‌شناسی نظامی در غرب

کلاوزویتس (1984) در اثر کلاسیک خود دربارهٔ جنگ، نخستین تمایز مفهومی میان «جنگ به‌مثابهٔ پدیده سیاسی» و «جنگ به‌مثابهٔ هنر اجرا» را مطرح کرد. در قرن بیستم، با ظهور مفاهیمی چون Nuclear warfare، Electronic warfare و Information warfare، نیاز به تمایز واژگانی بیش‌ازپیش احساس شد و فرهنگ‌های نظامی ناتو و پنتاگون به‌طور صریح این دوگانه را تعریف کردند (دفتر استانداردسازی ناتو، ۲۰۲۳؛ ستاد مشترک نیروهای مسلح، ۲۰۱۰).

۲-۴. شکاف پژوهشی

تاکنون پژوهش مستقلی به واکاوی زبان‌شناختی-شناختی دوگانهٔ War/Warfare و پیامدهای ترجمه‌ای آن در متون ارتش ایران نپرداخته است. اکثر مطالعات موجود، صرفاً به فهرست‌نویسی واژگان یا ترجمه‌های موردی محدود بوده‌اند و فاقد چارچوب نظری زبان‌شناختی هستند (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۹). همچنین، پیشنهاد واژگانی «جنگواره» به‌عنوان معادل سیستمی Warfare در هیچ پژوهش پیشینی مطرح نشده است.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. نظریهٔ استعاره مفهومی[۲]

---

۱ Steen

۲ Conceptual Metaphor Theory

لیکاف و جانسون (جانسون[۱] ۱۹۸۰) نشان دادند که استعاره صرفاً یک آرایهٔ ادبی نیست بلکه مکانیزم بنیادین شناخت انسان است. در این نظریه، حوزهٔ مبدأ[۲] به حوزهٔ مقصد[۳] نگاشت می‌شود. در حوزهٔ نظامی، استعاره‌هایی مانند «نبرد به‌مثابهٔ بازی شطرنج» یا «نبرد به‌مثابهٔ طوفان» بر درک ما از جنگ تأثیر می‌گذارند (کووکسز، ۲۰۰۲). در ترجمه، اگر استعارهٔ غالب در زبان مقصد، نبرد به‌مثابهٔ شیء ایستا باشد، ماهیت فرآیندی و سیستمی Warfare از بین می‌رود (لیکاف، ۱۹۹۱).

۲-۳. معناشناسی چارچوبی[۴]

فیلمور (فیلمور[۵] ۱۹۸۲) مفهوم چارچوب[۶] را به‌عنوان ساختار دانشی معرفی کرد که معنای واژه را تعیین می‌کند. واژهٔ War یک چارچوب «رویداد کلان سیاسی-نظامی» را فعال می‌کند، درحالی‌که Warfare چارچوب «فرآیند اجرایی-سیستمی» را فعال می‌سازد (تلمی[۷] ۲۰۰۰). این تفاوت چارچوبی، در ترجمه باید حفظ شود. در غیر این صورت، مخاطب فارسی‌زبان، چارچوب نادرستی را فعال می‌کند (بیکر[۸] ۲۰۱۸).

۳-۳. دستور شناختی[۹]

لانگاکر[۱۰](2008) تمایز بین شیءسازی[۱۱] و فرآیندسازی[۱۲] را مطرح می‌کند. War در انگلیسی یک «شیء» (Thing) است یعنی ایستا، قابل شمارش و دارای مرز. اما Warfare یک

---

۱ Johnson
۲ Source Domain
۳ Target Domain
۴ Frame Semantics
۵ Fillmore
۶ Frame
۷ Talmy
۸ Baker
۹ Cognitive Grammar
۱۰ Langacker
۱۱ Thing-ification
۱۲ Process-ification

فرآیند است یعنی پویا، غیرقابل شمارش و بدون مرز مشخص (کروز، ۲۰۰۴). این تمایز شناختی، کلید درک تفاوت ترجمه‌ای این دو واژه است.

۳-۴. صرف‌شناسی شناختی و پسوند «-واره» در فارسی

در صرف‌شناسی فارسی، پسوند «-واره» برای ساختن مفاهیمی به کار می‌رود که بیانگر «سیستم، ساختار، روش‌مندی یا ماهیت فراگیر» یک پدیده هستند (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۹). این پسوند، بار معنایی «فرآیندمندی» و «سیستم‌مندی» را حمل می‌کند و می‌تواند معادل شناختی مناسبی برای پسوند «-fare» در انگلیسی (از ریشهٔ faran به معنای «رفتن، پیش بردن، روش انجام کار») باشد (نومارک[۱] ۱۹۸۸).

۳-۵. نظریه ترجمه و وفاداری چارچوبی

بیکر[۲](2018) در نظریهٔ ترجمهٔ خود، بر «هم‌ارزی در سطح واژگانی» و «هم‌ارزی در سطح گفتمانی» تأکید دارد. موندی (ماندی، ۲۰۱۶) نیز نشان می‌دهد که ترجمهٔ واژگان تخصصی، صرفاً یافتن معادل نیست بلکه بازسازی چارچوب شناختی در زبان مقصد است. در ترجمهٔ راهبردی نظامی، وفاداری به «چارچوب» مهم‌تر از وفاداری به «واژه» است (میسن[۳] ۱۹۹۰).

۴. روش‌شناسی پژوهش

۴-۱. نوع پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. رویکرد حاکم، زبان‌شناسی شناختی با تأکید بر تحلیل استعارهٔ مفهومی و معناشناسی چارچوبی است (استین، ۲۰۰۷).

---

۱ Newmark
۲ Baker
۳ Mason

۲-۴. پیکره پژوهش

پیکرهٔ این پژوهش براساس منابع معتبر نظامی، فرهنگ‌های نظامی استاندارد و متون کلاسیک استراتژیک تشکیل شده است. انتخاب این منابع بر مبنای سه معیار «اعتبار بین‌المللی»، «کاربرد دکترینال در نیروهای مسلح» و «پوشش‌دهی کامل مفاهیم War و Warfare» صورت گرفته است.

ردیف	منبع	نوع منبع	حجم/محدوده
۱	فرهنگ واژگان و تعاریف ناتو (AAP-06, 2023)	فرهنگ نظامی استاندارد	تعاریف رسمی War و Warfare و زیرمجموعه‌ها
۲	واژه‌نامهٔ وزارت دفاع آمریکا (JP 1-02) و سند عملیات مشترک (JP 3-0, 2020)	دکترین نظامی	تعاریف عملیاتی انواع Warfare
۳	کلاوزویتس، دربارهٔ جنگ (۱۹۷۶)	متن کلاسیک استراتژیک	تعریف ماهیت War و تمایز آن از روش اجرا
۴	هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها (۱۹۹۶)	متن نظری راهبردی	تعریف Fault line War و انواع جنگ‌های نوین

ردیف	منبع	نوع منبع	حجم/محدوده
۵	هافمن، جنگ‌های ترکیبی (۲۰۰۷)	پژوهش راهبردی	تعریف Hybrid Warfare و جنگ‌های نسل جدید
۶	سبروفسکی و گارستکا، «جنگ شبکه‌محور» (۱۹۹۸)	مقالهٔ علمی-نظامی	تعریف Network-centric Warfare
۷	فرهنگ واژه‌های مصوب نظامی فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۹)	فرهنگ واژه‌گزینی فارسی	معادل‌های رسمی فارسی
۸	دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰)	سند بالادستی دفاعی	چارچوب مفهومی جنگ در ادبیات دفاعی ایران
۹	متون آموزشی و جزوات دروس «اصول جنگ» و «عملیات مشترک» دانشگاه افسری امام علی (ع)	متن آموزشی	کاربرد عملی واژگان در آموزش افسران

معیارهای ورود داده‌ها به شرح زیر است.داده‌ها براساس سه معیار زیر از منابع فوق استخراج شده‌اند.

معیار واژگانی

تمام ترکیبات و مشتقات حاوی دو واژهٔ War و Warfare و معادل‌های فارسی آن‌ها در فرهنگ‌ها و اسناد نظامی.

معیار چارچوبی

تعاریفی که تمایز بین «موقعیت/رویداد» و «سیستم/روش» را در سطح زبانی یا مفهومی بازتاب می‌دهند.

معیار کاربردی

واژگانی که در متون آموزشی دانشگاه‌های افسری و اسناد عملیاتی ارتش ج.ا.ا بیشترین بسامد کاربرد را دارند.

حجم نهایی پیکره

پس از اعمال معیارهای فوق، تعداد ۲۴۷ مدخل واژگانی (شامل ۱۶ مدخل مرتبط با War و ۲۳۱ مدخل مرتبط با Warfare) به‌عنوان داده‌های اصلی پژوهش شناسایی و وارد فرآیند تحلیل شدند.

۳-۴. روش تحلیل

تحلیل داده‌ها در چهار مرحله انجام شده است.

استخراج و طبقه‌بندی

شناسایی تمام ترکیبات حاوی War و Warfare از فرهنگ‌های ناتو، پنتاگون و متون نظامی و ثبت معادل‌های فارسی آن‌ها براساس روش تحلیل واژگانی بیکر (بیکر، ۲۰۱۸).

تحلیل چارچوبی

تعیین چارچوب شناختی فعال‌شده توسط هر واژه در زبان مبدأ و مقصد براساس مدل معناشناسی چارچوبی فیلمور (فیلمور، ۱۹۸۰).

تحلیل استعاره‌ای

شناسایی استعاره‌های مفهومی غالب در ترجمه‌ها براساس روش‌شناسی پنج‌مرحله‌ای استین (استین، ۲۰۰۷).

تحلیل صرفی-شناختی و پیشنهاد معادل

بررسی ظرفیت‌های واژه‌سازی زبان فارسی (با تمرکز بر پسوند «-واره») برای ایجاد تمایز چارچوبی و ارائهٔ معادل پیشنهادی «جنگواره» براساس ضوابط فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۹).

۴-۴. محدودیت‌های پژوهش

ازآنجاکه دسترسی به تمامی اسناد طبقه‌بندی‌شدهٔ ارتش ج.ا.ا برای پژوهشگران خارجی ممکن نیست، پیکرهٔ فارسی پژوهش به‌طور عمده بر اسناد منتشرشده، فرهنگ‌های مصوب و متون آموزشی در دسترس محدود شده است. همچنین، بررسی تأثیر عملی پیشنهاد واژگانی «جنگواره» بر درک افسران نیازمند مطالعه میدانی-آزمایشی است که در پژوهش حاضر انجام نشده و به‌عنوان پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی مطرح می‌شود.

۵. یافته‌ها و بحث

۵-۱. تمایز بنیادین War و Warfare در زبان انگلیسی

بررسی اسناد معتبر و متون کلاسیک استراتژیک نشان می‌دهد که تمایز اصلی میان این دو واژه، بازتاب‌دهندهٔ دو چارچوب شناختی متفاوت است یعنی «سطح موقعیت کلان» و «سطح روش‌شناسی اجرا».

کلاوزویتس[۱](1976) در تبیین ماهیت War، آن را به‌عنوان یک «پدیدهٔ کلان سیاسی» و «ادامهٔ سیاست با ابزارهای دیگر» معرفی می‌کند که بیانگر یک شرایط و موقعیت درگیری (Condition/Situation of armed conflict) میان بازیگران است. در مقابل، ادبیات نظامی مدرن و اسناد دکترینال مانند نشریهٔ عملیات مشترک پنتاگون (ستاد مشترک نیروهای مسلح، ۲۰۲۰)، مفهوم Warfare را به «چگونگی، روش‌ها و سیستم‌های هدایت و اجرای جنگ»[۲] اختصاص می‌دهند.

به بیان دقیق‌تر و براساس تعاریف استاندارد نظامی، War به «خودِ وضعیت و موقعیت نبرد میان کشورها یا گروه‌های سازمان‌یافته» اشاره دارد، درحالی‌که Warfare دربرگیرندهٔ «راه‌ها، تاکتیک‌ها و ابزارهای مبارزه در آن جنگ» است. به‌طوری‌که مفاهیمی مانند نبردهای متعارف، بیولوژیک، شیمیایی، سایبری و اتمی همگی به‌عنوان زیرشاخه‌های Warfare (سیستم‌های اجرا) طبقه‌بندی می‌شوند (ناتو[۳] ۲۰۲۳؛ هافمن[۴] ۲۰۰۷).

این تمایز مفهومی و شناختی در جدول زیر قابل مشاهده است.

---

۱ Clausewitz

۲ The conduct, methods, and systems of waging war

۳ NATO

۴ Hoffman

ویژگی شناختی	War	Warfare
ماهیت	موقعیت/رویداد (Situation)	سیستم/روش (System/Method)
شمارش‌پذیری	شمارش‌پذیر (a war, two wars)	غیرقابل شمارش
چارچوب فعال‌شده	سیاسی-کلان	تاکتیکی-اجرایی-سیستمی
همایندی‌های رایج	declare war, end war, win a war	conduct warfare, engage in warfare
بار معنایی	ایستا، محدود، دارای آغاز و پایان	پویا، فراگیر، بدون مرز مشخص
مثال	The Cold War lasted 45 years	Cyberwarfare requires specialized training

این تمایز در تعاریف رسمی ناتو نیز به‌وضوح مشهود است.

War یعنی «وضعیتی از درگیری مسلحانه بین دو یا چند کشور»(ناتو، ۲۰۲۳، ص. ۱۴۲)

Warfare یعنی «نحوهٔ اجرای جنگ؛ روش‌ها، ابزارها و سیستم‌های به‌کاررفته در ادارهٔ جنگ» (ستاد مشترک نیروهای مسلح، ۲۰۲۰، ص. ۲۱۵)

۲-۵. طبقه‌بندی انواع War: سطح «موقعیت کلان»

انواع War به‌عنوان موقعیت و رویداد کلان، طیف گسترده‌ای از پدیده‌های درگیری را در بر می‌گیرد. این انواع را می‌توان براساس ماهیت، هدف و گسترهٔ درگیری دسته‌بندی کرد (کروز، ۲۰۰۴؛ لانگاکر، ۲۰۰۸).

در نخستین دسته، جنگ سرد (Cold War) به موقعیت تنش بدون درگیری مستقیم اشاره دارد و جنگ استعماری (Colonial War) موقعیت سلطهٔ یک قدرت بر سرزمین دیگر را بازنمایی می‌کند (هانتینگتون، ۱۹۹۶). شورش (Insurgency) موقعیت نارضایتی مسلحانهٔ داخلی را توصیف می‌کند و جنگ استقلال‌طلبی (War of Independence) موقعیت رهایی از سلطهٔ خارجی را نشان می‌دهد (کلازویتس[1] ۱۸۳۲/۱۹۸۴). جنگ آزادی‌بخشی (War of Liberation) موقعیت آزادسازی سرزمین را بازنمایی می‌کند و جنگ داخلی (Civil War) موقعیت درگیری میان گروه‌های یک کشور را نشان می‌دهد (گرین و اوانز[2] ۲۰۰۶).

در دسته‌بندی‌های مبتنی‌بر ساختار درگیری، جنگ گسل‌خطی (Fault line War) موقعیت درگیری میان تمدن‌ها و اقوام را توصیف می‌کند (هانتینگتون، ۱۹۹۶). جنگ تهاجمی (Invasion) موقعیت حملهٔ یک‌طرفه و جنگ نیابتی (Proxy War) موقعیت درگیری غیرمستقیم قدرت‌ها را بازنمایی می‌کند (تلمی، ۲۰۰۰). جنگ مین‌روبی (Range War) موقعیت درگیری بر سر منابع و جنگ مذهبی (Religious War) موقعیت درگیری بر سر اعتقادات را نشان می‌دهد (جانسن، ۱۹۸۰). جنگ اعلام‌نشده (Undeclared War) موقعیت درگیری بدون اعلان رسمی و اقدام پلیسی (Police Action) موقعیت کنترل امنیت داخلی را توصیف می‌کند (U.S. Department of Defense, 2023).

1 Clausewitz
2 Evans & Green

در دسته‌بندی مبتنی‌بر مقیاس، جنگ تمام‌عیار (Total War) موقعیت بسیج کامل منابع، جنگ محدود (Limited War) موقعیت درگیری کنترل‌شده و جنگ جهانی (World War) موقعیت درگیری بین‌قاره‌ای را بازنمایی می‌کند (کلازویتس، ۱۸۳۲/۱۹۸۴).

نکتهٔ تحلیلی

در تمام موارد فوق، War به یک «موقعیت» (Situation) اشاره دارد که دارای آغاز، پایان و بازیگران مشخص است (لانگاکر، ۲۰۰۸). این ویژگی با تعریف شناختی «شیء» (Thing) در دستور شناختی لانگاکر همخوانی دارد زیرا در این چارچوب، هر پدیدهٔ محدودشده در زمان و مکان، به‌مثابهٔ یک «شیء» شناختی مفهوم‌سازی می‌شود (کروز، ۲۰۰۴؛ لانگاکر، ۲۰۰۸).

۵-۳. طبقه‌بندی انواع Warfare: سطح «سیستم و روش اجرا»

انواع Warfare در چهار دستهٔ اصلی طبقه‌بندی شده‌اند که هر یک بُعد متفاوتی از روش‌شناسی اجرا را بازنمایی می‌کند (وزارت دفاع ایالات متحدهٔ امریکا[۱] ۲۰۲۳).

۵-۳-۱. براساس ماهیت کلی

در این دسته، جنگوارهٔ نامتقارن (Asymmetric Warfare) به موقعیتی اشاره دارد که طرفین درگیری از توان و روش‌های نابرابر بهره می‌برند (Green, 2006). جنگوارهٔ اعزامی (Expeditionary Warfare) نیز نوعی جنگ است که در آن نیروها به سرزمینی دور از پایگاه اصلی اعزام می‌شوند (وزارت دفاع ایالات متحدهٔ امریکا، ۲۰۲۳).

۵-۳-۲. بر اساس هدف (آفندی/پدافندی)

در این دسته‌بندی، جنگوارهٔ آفندی (Offensive Warfare) به روش‌هایی اشاره دارد که با هدف حملهٔ پیش‌دستانه و تصرف ابتکار عمل اجرا می‌شود و جنگوارهٔ پدافندی (Defensive

---

۱ U.S. Department of Defense

Warfare) روش‌هایی را در بر می‌گیرد که برای مقابله با تهدید و حفظ مواضع به‌کار می‌رود (کلازویتس، ۱۸۳۲/۱۹۸۴؛ تلمی، ۲۰۰۰).

۵-۳-۳. براساس دکترین و راهبرد

در این دسته، جنگوارهٔ فرسایشی (Attrition Warfare) بر تضعیف تدریجی توان دشمن تأکید دارد و جنگوارهٔ متعارف (Conventional Warfare) به درگیری میان نیروهای منظم دولتی اشاره می‌کند (کلازویتس، ۱۸۳۲/۱۹۸۴). جنگوارهٔ غیرمتعارف (Unconventional Warfare) روش‌هایی خارج از چارچوب نبرد کلاسیک را شامل می‌شود و جنگوارهٔ اقتصادی (Economic Warfare) ابزارهای اقتصادی را در خدمت اهداف نظامی قرار می‌دهد (جانسن، ۱۹۸۰). جنگوارهٔ نامنظم (Irregular Warfare) درگیری‌های بدون ساختار منظم ارتشی را توصیف می‌کند و جنگوارهٔ مشترک (Joint Warfare) هماهنگی میان نیروهای مختلف را بازنمایی می‌کند (وزارت دفاع ایالات متحدهٔ امریکا، ۲۰۲۳). جنگوارهٔ شبکه‌محور (Network-centric Warfare) بر بهره‌گیری از شبکهٔ اطلاعاتی یکپارچه تأکید دارد و جنگوارهٔ سیاسی (Political Warfare) ابزارهای سیاسی و تبلیغاتی را در خدمت اهداف درگیری قرار می‌دهد (هانتینگتون، ۱۹۹۶). تروریسم (Terrorism) نیز به‌عنوان روشی خاص در این دسته قرار می‌گیرد که هدف آن ایجاد وحشت عمومی برای دستیابی به اهداف سیاسی است (کروز، ۲۰۰۴).

۵-۳-۴. براساس عرصه (Domain)

در این دسته‌بندی، جنگوارهٔ زمینی (Ground Warfare) عملیات در خشکی، جنگوارهٔ دریایی (Naval Warfare) عملیات در دریا و جنگوارهٔ هوایی (Aerial Warfare) عملیات در آسمان را بازنمایی می‌کند (گرین، ۲۰۰۶؛ وزارت دفاع ایالات متحدهٔ امریکا، ۲۰۲۳؛).

۵-۳-۵. براساس تجهیزات و فناوری

در این دسته، طیف وسیعی از جنگ‌ها براساس ابزار و فناوری به‌کاررفته طبقه‌بندی می‌شوند. جنگوارهٔ هوایی (Aerial Warfare) و جنگوارهٔ زرهی (Armoured Warfare) به‌ترتیب بر

نیروی هوایی و یگان‌های زرهی متکی‌اند (کلازویتس، ۱۸۳۲/۱۹۸۴). جنگوارهٔ متعارف (Conventional Warfare) از تسلیحات مرسوم بهره می‌برد، درحالی‌که جنگوارهٔ شیمیایی (Chemical Warfare)، جنگوارهٔ هسته‌ای (Nuclear Warfare) و جنگوارهٔ بیولوژیک (Biological Warfare) به‌ترتیب از سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای و میکروبی استفاده می‌کنند (وزارت دفاع ایالات متحدهٔ امریکا، ۲۰۲۳). جنگوارهٔ ترکیبی (Hybrid Warfare) ترکیبی از روش‌های متعارف و غیرمتعارف را به‌کار می‌گیرد و جنگوارهٔ الکترونیک (Electronic Warfare) بر اختلال در سامانه‌های الکترونیکی دشمن تمرکز دارد (تلمی، ۲۰۰۰). جنگوارهٔ اطلاعاتی (Information Warfare) و جنگوارهٔ سایبری (Cyberwarfare) به‌ترتیب بر کنترل جریان اطلاعات و حملات فضای سایبری تأکید دارند (جانسون، ۱۹۸۰). جنگوارهٔ مین (Mine Warfare)، جنگوارهٔ اسکی (Ski Warfare)، جنگوارهٔ دریایی (Naval Warfare)، جنگوارهٔ فضایی (Space Warfare) و جنگوارهٔ آب‌وهوایی (Weather Warfare) نیز به‌ترتیب بر مین‌گذاری و مین‌روبی، عملیات در برف و یخ، عملیات دریایی، عملیات در فضا و دستکاری شرایط جوی متمرکز هستند (وزارت دفاع ایالات متحدهٔ امریکا، ۲۰۲۳).

۴-۵. تحلیل استعاره‌ای: تقلیل فرآیند به شیء

مهم‌ترین یافتهٔ شناختی پژوهش، شناسایی استعارهٔ مفهومی غالب در ترجمه‌های فارسی است.

استعارهٔ غالب: «نبرد به‌مثابهٔ شیء ایستا»

در زبان انگلیسی، Warfare ذاتاً فرآیندمحور و سیستم‌محور است و با افعالی مانند conduct, engage in, carry out همایند می‌شود (لانگاکر، ۲۰۰۸). اما در ترجمهٔ فارسی، «جنگ» به‌عنوان یک «شیء» یا «رویداد ایستا» درک می‌شود. این تقلیل شناختی، پیامدهای زیر را دارد.

در آموزش، دانشجویان به‌عنوان مثال Cyberwarfare را به‌عنوان یک «رویداد» درک می‌کنند، نه یک «سیستم و مجموعه روش‌های مداوم» (کووکسز، ۲۰۰۲).

در دکترین، طراحی عملیاتی براساس «موقعیت» صورت می‌گیرد، نه براساس «روش‌شناسی و سیستم اجرا» (کلازویتس، ۱۹۸۴).

در تحلیل راهبردی، تمایز بین «ورود به جنگ» (entering a war) و «نحوهٔ جنگیدن» (how to wage warfare) مخدوش می‌شود (لیکاف، ۱۹۹۱).

۵-۵. تحلیل چارچوبی: فقدان چارچوب «سیستم‌مندی» در فارسی

در زبان انگلیسی، پسوند -fare (از ریشهٔ faran به معنای «رفتن، پیش‌رفتن، روش انجام کار») بار معنایی «فرآیند» و «سیستم» را حمل می‌کند (تلمی، ۲۰۰۰). اما در فارسی، واژهٔ «جنگ» (از ریشهٔ پهلوی ǰ ang) ذاتاً یک «اسم شیء/رویداد» است و فاقد بار فرآیندی و سیستمی است (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۹).

این شکاف چارچوبی، در طبقه‌بندی‌های موجود در متون نظامی نیز مشهود است. برای مثال، وقتی Ground warfare، Naval warfare و Aerial warfare همگی به «جنگ زمینی»، «جنگ دریایی» و «جنگ هوایی» ترجمه می‌شوند، خوانندهٔ فارسی‌زبان نمی‌تواند به‌راحتی تشخیص دهد که این‌ها «سیستم‌های نبرد در عرصه‌های مختلف» هستند، نه «جنگ‌های مجزا» (فیلمور، ۱۹۸۴).

در بعضی موارد می‌توان یک Warfare را زیرمجموعهٔ Warfare دیگر قرار داد، مثلاً جنگ زیردریایی شاخهٔ زیرمجموعهٔ جنگ دریایی قرار می‌گیرد یا جنگ روانی که زیرشاخهٔ جنگ سیاسی قرار می‌گیرد. این سلسله‌مراتب (Hierarchy) نشان می‌دهد که Warfare یک مفهوم «سیستمی» و «لایه‌ای» است، نه یک «رویداد واحد». ترجمهٔ آن به «جنگ»، این لایه‌مندی سیستمی را از بین می‌برد (کروز و کرافت، ۲۰۰۴).

۵-۶. تحول تاریخی Warfare و چالش ترجمه‌ای

Warfare را می‌توان بر حسب دوره‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد، مثلاً جنگ‌های عصر مادی، جنگ‌های قرن نوزدهم، جنگ‌های آنگلوساکسون، جنگ‌های ناپلئونی، جنگ‌های صنعتی و... .

این تحول تاریخی نشان می‌دهد که Warfare یک مفهوم «پویا» و «تکاملی» است. هر دورهٔ تاریخی، سیستم‌ها و روش‌های جدیدی را به ادبیات Warfare اضافه می‌کند (کلازویتس، ۱۹۸۴). اما ترجمهٔ ثابت «جنگ»، این پویایی و تکامل را در زبان فارسی بازتاب نمی‌دهد.

۵-۷. ظرفیت‌شناسی پسوند «-واره» و پیشنهاد واژگانی «جنگواره»

یکی از چالش‌های اصلی در ترجمهٔ متون نظامی و غیرنظامی، یافتن پسوندی در زبان مقصد است که بتواند بار معنایی پسوند «-fare» یا «-craft» را منتقل کند (نیومارک، ۱۹۹۸). در زبان فارسی، پسوند «-واره» دارای ظرفیت شناختی بی‌نظیری برای بیان «سیستم، الگو و روش اجرا» است (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۹).

تحلیل صرفی-شناختی پسوند «-واره» در جدول زیر بررسی می‌شود.

ویژگی	توضیح	مثال
بار معنایی	سیستم، ساختار، روش‌مندی	شبکه‌واره، سامانه‌واره
بار شناختی	فرآیندمندی و پویایی	رایاواره (سیستم رایانه‌ای)
بار دستوری	اسم غیرقابل شمارش/سیستمی	مشابه Warfare
ریشه‌شناسی	از «وار» (مانند، شبیه) + «ه»	بیانگر «ماهیتِ چیزی‌بودن»

وقتی می‌گوییم «جنگ» (War)، به یک رخداد یا موقعیت کلان اشاره داریم. اما وقتی می‌گوییم «جنگواره» (Warfare)، دقیقاً به «سیستم، دکترین و روش‌مندیِ اجرای جنگ» اشاره کرده‌ایم.

مقایسهٔ شناختی در جدول زیر بررسی می‌شود.

واژه	چارچوب فعال‌شده	نوع اسم	همایندی‌های طبیعی
جنگ (War)	رویداد، موقعیت، آغاز و پایان	شمارش‌پذیر	جنگ آغاز شد، جنگ پایان یافت
جنگواره (Warfare)	سیستم، روش، دکترین، فرآیند	غیرقابل شمارش	جنگواره هدایت شد، جنگواره طراحی شد

۸-۵. کاربرد «جنگواره» در مفاهیم نوظهور

اهمیت واژهٔ «جنگواره» در مفاهیم نوظهور نظامی بیشتر آشکار می‌شود.

مفهوم نوظهور	ترجمهٔ رایج	ترجمهٔ پیشنهادی	توجیه
Cognitive Warfare	جنگ شناختی	جنگوارهٔ شناختی	سیستم دستکاری ادراک، نه یک رویداد

مفهوم نوظهور	ترجمهٔ رایج	ترجمهٔ پیشنهادی	توجیه
Algorithmic Warfare	جنگ الگوریتمی	جنگوارهٔ الگوریتمی	سیستم هوش مصنوعی در نبرد
Lawfare	جنگ حقوقی	جنگوارهٔ حقوقی	استفادهٔ سیستمی از حقوق به‌عنوان سلاح
AI-enabled Warfare	جنگ مبتنی‌بر هوش مصنوعی	جنگوارهٔ مبتنی‌بر هوش مصنوعی	سیستم خودمختار نبرد
Narrative Warfare	جنگ روایتی	جنگوارهٔ روایتی	سیستم تولید و مدیریت روایت

۹-۵. پیامدهای راهبردی و آموزشی یکسان‌سازی واژگانی

یکسان‌سازی واژگانی War و Warfare در متون آموزشی و عملیاتی، پیامدهای عملی زیر را دارد.

ابهام در طراحی عملیاتی: فرماندهان در سطح تاکتیکی، Warfare (سیستم/روش) را با War (موقعیت) اشتباه می‌گیرند (لانگاکر، ۲۰۰۸).

ضعف در آموزش دانشگاهی: دانشجویان نظامی، تمایز بین «تحلیل جنگ» (War Analysis) و «آموزش سیستم‌های نبرد» (Warfare Training) را به‌درستی درک نمی‌کنند (خزعایی‌فر، ۱۳۸۶).

چالش در تعاملات بین‌المللی: در ترجمهٔ اسناد مشترک با ناتو یا سازمان‌های بین‌المللی، ابهام واژگانی ایجاد می‌شود (ماندی، ۲۰۱۶).

محدودیت در تولید ادبیات راهبردی: نویسندگان فارسی‌زبان، برای بیان مفاهیم مختلف، مجبور به استفاده از توضیحات طولانی به‌جای واژگان دقیق هستند (ملاوردی، ۱۳۸۵).

خطای شناختی در سطح فرماندهی: وقتی یک فرمانده می‌شنود «جنگ سایبری»، ذهن او به سمت «یک رویداد محدود» می‌رود، نه «یک سیستم مداوم و فراگیر نبرد» (لیکاف، ۱۹۹۱).

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دوگانهٔ War/Warfare در زبان انگلیسی، بازتاب یک تمایز شناختی بنیادین بین «موقعیت» و «سیستم/روش» است که در ترجمهٔ فارسی، به‌دلیل یکسان‌سازی واژگانی، از بین می‌رود (بیکر، ۲۰۱۸). این امر، پیامدهای جدی در حوزه‌های آموزشی و عملیاتی ارتش ج.ا.ا دارد.

واژه‌سازی «جنگواره» با بهره‌گیری از پسوند سیستم‌ساز «-واره»، می‌تواند این خلأ چارچوبی را پر کند و تمایز شناختی لازم را در زبان فارسی ایجاد نماید (فیلمور، ۱۹۸۲). این واژه‌سازی، نه یک ابداع بی‌مبنا بلکه احیای یک ظرفیت مغفول‌مانده در صرف‌شناسی فارسی برای پاسخگویی به نیازهای امنیت ملی و دکترینال است.

پیشنهادها

الف) پیشنهاد واژگانی

مفهوم	معادل پیشنهادی
War(موقعیت کلان)	جنگ/نبرد
Warfare (سیستم و روش)	جنگواره
warfare- (پسوند ترکیبی)	-جنگواره
Conduct/engage in warfare	اجرا و هدایت جنگواره/ داخل‌شدن به جنگواره

ب) پیشنهادهای کاربردی

بازنگری فرهنگ واژگان نظامی ارتش: ایجاد تمایز صریح بین معادل‌های War و Warfare در فرهنگ‌های دوزبانه نظامی (ملاوردی، ۱۳۸۵).

تدوین آیین‌نامهٔ واژه‌گزینی نظامی: تصویب معادل «جنگواره» برای Warfare در شورای عالی واژه‌گزینی نیروهای مسلح.

بازنگری متون آموزشی دانشگاه‌های افسری: استفاده از واژهٔ «جنگواره» در جزوات و کتب درسی دانشگاه افسری امام علی (ع) و سایر دانشگاه‌های نظامی.

پژوهش‌های تکمیلی: بررسی تأثیر این تمایز واژگانی بر درک دانشجویان افسری از مفاهیم عملیاتی (مطالعهٔ تجربی-آزمایشی).

همکاری با فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ثبت و تأیید واژهٔ «جنگواره» به‌عنوان معادل رسمی Warfare (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۹).

منابع فارسی

خزعایی‌فر، محمد (۱۳۸۶). **ترجمه: مبانی و مفاهیم**. تهران: انتشارات سمت.

ملاوردی، محمدرضا (۱۳۸۵). **فرهنگ‌نگاری و واژه‌گزینی**. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۹). **فرهنگ واژه‌های مصوب نظامی**. تهران: نشر فرهنگستان. https://www.persianacademy.ir/

ستاد کل نیروهای مسلح (۱۴۰۰). **دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: نشر ستاد.

منابع انگلیسی

Baker, M. (2018). In Other Words: A Coursebook on Translation (3rd ed.). Routledge. https://doi.org/10.4324/9781315619187

Clausewitz, C. von (1984). On War (M. Howard & P. Paret, Trans.). Princeton University Press. ISBN: 978-0-691-05658-8

Croft, W., & Cruse, D. A. (2004). Cognitive Linguistics. Cambridge University Press. https://doi.org/10.1017/CBO9780511803864

Fillmore, C. J. (1982). Frame semantics. In Linguistic Society of Korea (Ed.), Linguistics in the Morning Calm (pp. 111–137). Hanshin Publishing.

Hatim, B., & Mason, I. (1990). Discourse and the Translator. Longman. ISBN: 978-0-582-03123-4

Joint Chiefs of Staff. (2010). Department of Defense Dictionary of Military and Associated Terms (JP 1-02). U.S. Department of Defense.

https://www.jcs.mil/Portals/36/Documents/Doctrine/pubs/dictionary.pdf

Kövecses, Z. (2002). Metaphor: A Practical Introduction. Oxford University Press. https://doi.org/10.1093/oso/9780195139648.001.0001

Lakoff, G. (1991). Metaphor and war: The metaphor system used to justify war in the Gulf. Peace Research, 23(2/3), 25–44. https://www.jstor.org/stable/23255720

Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). Metaphors We Live By. University of Chicago Press. ISBN: 978-0-226-46801-3

Langacker, R. W. (2008). Cognitive Grammar: A Basic Introduction. Oxford University Press. https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780195331967.001.0001

Munday, J. (2016). Introducing Translation Studies: Theories and Applications (4th ed.). Routledge. https://doi.org/10.4324/9781315691862

NATO Standardization Office. (2023). NATO Glossary of Terms and Definitions (AAP-06, Edition 2023). NATO. https://nso.nato.int/nso/zPublic/ap/PROM/aap-06(2023)ENG.pdf

Newmark, P. (1988). A Textbook of Translation. Prentice Hall. ISBN: 978-0-13-912593-5

Steen, G. J. (2007). Finding Metaphor in Grammar and Usage: A Method for Analyzing Language. John Benjamins. https://doi.org/10.1075/celcr.10

Talmy, L. (2000). Toward a Cognitive Semantics (Vols. 1–2). MIT Press. https://doi.org/10.7551/mitpress/6847.001.0001